

نظرات طراحان سرمایه انسانی

بررسی تناظر نامتوازن «نظریه سرمایه انسانی» و «فقر آموزش و پرورش»

علی حسینی توسل



دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان



اشاره

نظریه سرمایه انسانی در حوزه اقتصاد آموزش و پرورش از مهم‌ترین نظریاتی است که تاکنون توجه پژوهشگران اقتصاد آموزش را به خود جلب کرده است. آشنایی پژوهشگران و علاقه‌مندان حوزه اقتصاد آموزش با این نظریات نظریه پردازان سرمایه انسانی، امکان تحلیل شرایط موجود را فراهم می‌آورد. در شرایط کنونی ناکافی بودن اعتبارات آموزش و پرورش موجب کاستی‌هایی در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها شده است. به نظر می‌رسد با اتخاذ تدابیر و سیاست‌گذاری صحیح، بتوان فقر اقتصادی موجود در نظام آموزش و پرورش را از میان برداشت. در این مجال، مرور مختصر نظرات طراحان نظریه سرمایه انسانی خالی از لطف نیست.

اولین کاربرد جدی مفهوم «سرمایه انسانی» به ویلیام پتی، نخستین آمارگیر و حسابدار ملی، نسبت داده می‌شود؛ زمانی که در سال ۱۶۷۶ زبان‌های مربوط به تجهیزات و ماشین‌آلات نظامی را با خسارت‌های انسانی ناشی از جنگ مقایسه کرد. او نیروی کار را پدر ثروت دانست.

اسمیت در کتاب معروف خود به نام «ثروت ملل» ارتقاء مهارت نیروی کار را منشأ اصلی پیشرفت و افزایش رفاه اقتصادی معرفی کرد و بدین ترتیب چگونگی تأثیرگذاری سرمایه انسانی و مهارت نیروی کار بر درآمد شخصی و ساختار دستمزدها را ارائه نمود.

والش، اولین اقتصاددانی بود که روش تحلیل هزینه - فایده را برای آموزش به‌عنوان یک مدل سرمایه‌گذاری به کار گرفت. او از تحلیل‌های تجربی خود چنین نتیجه‌گیری کرد که سرمایه‌گذاری در یادگیری زمانی انجام می‌شود که بازده آن،

هزینه‌های یادگیری و سود متعارف را پوشش دهد. بر مبنای نظریه سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری روی منابع انسانی دو ویژگی اساسی دارد؛ نخست اینکه ظرفیت‌های مولد افراد تحت آموزش را افزایش می‌دهد و دوم اینکه افراد به منظور منافع آتی، آن را انجام می‌دهند. از دیدگاه این نظریه، منافع آتی (اعم از مادی و غیرمادی) چه در سطح خرد و چه در سطح کلان توجیه‌کننده و تبیین‌کننده رفتار افراد و سازمان‌ها برای تخصیص منابع در آموزش‌اند.

تحلیل‌های جامع‌تر به منظور تبیین رفتار سرمایه‌گذاری انسانی، افراد یا سازمان‌ها، توسط شولز و ناظر بر «انگیزه»هایی شامل بهداشت و مهاجرت ارائه گردید. شولز معتقد است که «تلاش انسان‌ها» را می‌توان از طریق آموزش ارتقا داد و بر بهره‌وری افزود. نظریه سرمایه انسانی بر تخصیص منابع «آموزش» در سطوح مختلف تأثیرگذار بوده است. سه عامل تصمیم‌ساز و ذی‌مدخل در این تأثیرپذیری شامل «دولت» در سطح کلان، «خانواده» به‌عنوان مهم‌ترین هسته جامعه و در نهایت، «بنگاه‌های اقتصادی» به‌عنوان شریان‌های جریان اقتصادی هستند. امروزه براساس این نظریه، مبادرت به تخصیص منابع در حوزه آموزش کرده‌اند و باید پذیرفت که این سه عامل هر یک به سهم خود لازم است از منافع حاصل از این سرمایه‌گذاری منتفع شوند.

در مقایسه تخصیص منابع خانواده‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و دولت، در سرمایه‌گذاری انسانی سهم دولت‌ها در اغلب کشورها به‌ویژه در آموزش‌های عمومی و دبستان بیشتر است.

منافع ناشی از این سرمایه‌گذاری به دو بخش «منافع شخصی» و «منافع اجتماعی» تقسیم می‌شوند. منافع شخصی شامل منفعی است که مستقیماً نصیب افراد آموزش دیده می‌شوند؛



منافعی از قبیل افزایش درآمد تارتقاء جایگاه اجتماعی و بالا رفتن قدرت انتخاب افراد. منافع اجتماعی آموزش شامل منافعی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم نصیب جامعه و سایر افراد می شوند؛ منافعی مانند بهبود رشد اقتصادی، مهار جرائم و بزهکاری ها، توسعه بهداشت، فرصت های شغلی و ایجاد عدالت در جامعه.

به رغم منافع فردی و اجتماعی ناشی از سرمایه گذاری انسانی، امروزه در آموزش و پرورش، شاهد عدم پویایی و نوآوری و عدم بهره مندی از روش های نوین در فرایند یاددهی - یادگیری، و بی بهره ماندن اغلب مدارس از امکانات فیزیکی لازم به علت نبود منابع مالی کافی هستیم.

اکنون این سؤال مطرح است که چرا آموزش و پرورش در تأمین منابع مالی خود همواره دچار اضطراب و مشکل است و آیا به عنوان نهادی اثرگذار در اقتصاد، ناظر بر توانمندسازی منابع انسانی کشور امکان سهم خواهی از سرمایه گذاری پیدا و پنهان خود را ندارد.

در این خصوص، هزینه - فرصت ناشی از تحصیلات که سهم قابل توجهی از آن در دوران تحصیلات افراد رقم می خورد، موضوع مهم دیگری است که شایسته است در تحلیل عملکرد اقتصادی آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد.

بودجه سالانه کشور و روابط میان سازمانی و تأثیر آن ها بر تخصیص اعتبارات دولتی بین نهادها و سازمان ها، حکایت از آن دارد که سهم آموزش و پرورش در بهره مندی از این منابع بسیار ناچیز است و در قیاس با بخش های مختلف از منافع کمتری برخوردار شده است. این در حالی است که آموزش و پرورش در «بهره وری و ارتقاء تلاش کیفی نیروهای کار» نسبت به سایر نهادها، سهم قابل توجه و جایگاه مهمی دارد.

همه نیروهای شاغل تحصیل کرده در سازمان ها و ادارات

و نهادهای دولتی و خصوصی و بنگاه های اقتصادی، روزی به عنوان دانش آموز و مهارت ورز در محیط مدارس وابسته به آموزش و پرورش کشور حاضر بوده اند و این وزارت خانه سهم قابل توجهی از منابع موجود خود را صرف هزینه تحصیلی همین افراد کرده است. ضمن اینکه این افراد نیز به دلیل تحصیل و حضور در مدرسه از فرصت های درآمدزای زیادی چشم پوشی نموده اند.

با توجه بر موارد ذکر شده، می توان به رابطه نامتوازن بین فقر موجود در آموزش و پرورش و تربیت نیروی کار و سرمایه انسانی پی برد. درک تضاد موجود بین آن توانمندی و این فقر برای همگان بسی دشوار و نامبارک است.

بر این اساس، پیشنهادهای زیر به منظور تأمین منابع مالی آموزش و پرورش مطرح می گردد.

۱. هر یک از بخش های دولتی و یا خصوصی که نیروی کار خود را از بین تحصیل کردگان آموزش و پرورش انتخاب می کنند، موظف باشند سالیانه به ازاء استفاده از نیروی کار در اختیار، که قابلیت انجام دادن کیفی مسئولیت های محوله را دارد، نسبت به مدت زمان اشتغال، مبلغی را به عنوان هزینه «توسعه کیفی» به وزارت آموزش و پرورش پرداخت نمایند.

۲. در امر سیاست گذاری آموزش، خط مشی تعیین شده برای مدارس به نحوی باشد که مدارس مبتنی بر خلاقیت دانش آموزان و معلمان و همکاری اولیا مؤظف و قادر به انجام فعالیت های متنوع اجتماعی و اقتصادی باشند تا ضمن ایجاد اشتغال امکان درآمدزایی نیز داشته باشند. در این مورد، تمهیدات لازم در برنامه ریزی های مرتبط لحاظ گردد.

۳. توجه جدی به بند ۲۵ سند مصوب هشتصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۹/۵/۲ در مشهد مقدس، در خصوص ضرورت نگاه سرمایه ای و مولد به نظام تربیت رسمی و عمومی و توجه به آن به منزله نهاد زیرساختی و شالوده توسعه پایدار و دانش بنیان در برابر نگاه مصرفی و هزینه ای غیرمولد.

۴. ایجاد ارتباط بین بخش های مختلف صنفی و تولیدی با مدارس کارآفرین، جهت مشارکت در کیفیت بخشی به محصولات با آموزش های ضمن خدمت و مهارتی و بهره مندی از ایده های خلاقانه موجود در مدارس.

* منابع

۱. نیاز آذری، کیومرث. (۱۳۹۰). سیاست گذاری و فرایند خط مشی عمومی در نظام آموزشی، نشر مهرالنسی.
۲. متوسلی، محمود. (۱۳۹۳). اقتصاد و آموزش و پرورش. نشر سمت.
۳. نادری، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). اقتصاد آموزشی. نشر یسطرون.
۴. مقاله راههای مختلف تأمین منابع مالی نظام های آموزشی دکتر رسول داودی.



**در مقایسه
تخصیص منابع
خانواده ها
و بنگاه های
اقتصادی و دولت،
در سرمایه گذاری
انسانی سهم
دولت ها در اغلب
کشورها به ویژه
در آموزش های
عمومی و دبستان
بیشتر است**